تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۳
Print ISSN: 2664-9144

سوءاستفاده از نفوذ در حقوق جزای افغانستان و ایران

حسین‌داد کامران[1]
دانشجوی مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی
دکتر عبدالعلی توجهی[2]
دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد- تهران

چکیده
سوءاستفاده از نفوذ از جمله رفتارهای جرمی است که می‌تواند رابطه مستقیم با نقض اجرای عدالت قضایی و در نهایت، اخلال نظم عمومی داشته باشد. این جرم ممکن است با شیوه‌های متعدد رفتاری محقق شود. بر این اساس مقنن افغانستان و ایران به جرم‌انگاری و تعیین جزا نسبت به آن پرداخته‌اند. رفتار مجرمانه این جرم ممکن است با شیوه‌های مختلفی ظهور کند که گاهی این رفتارها در قالب فعل مثبت مادی و گاهی در قالب فعل مثبت مادی-معنوی می‌تواند باشد. از این‌رو، عنوان حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. دیدگاه هر دو کشور نسبت به این جرم سخت‌گیرانه بوده و با توجه به دغدغه‌های که از رهگذر ارتکاب آن داشته است، این رفتارها را از جمله جرایم مانع تعریف کرده و مصادیق متعدد حصری برای رفتارمجرمانه رکن مادی آن در نظر گرفته است. رفتار مجرمانه این جرم از نظر مقنن افغانستان ممکن است در قالب پیشنهاد، وعده و یا اعطای منفعت نامشروع مادی و یا معنوی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم انجام پذیرد. از نظر مقنن ایران رفتار مجرمانه این جرم در قالب وعده، تحصیل و گرفتن وعده پرداخت وجه نقدی و فایده دیگر ممکن است، محقق شود.

واژگان کلیدی: سوءاستفاده، نفوذ، وعده، پیشنهاد و اعطا .

1 Hussaindadkamran787@gmail.com
2 Atavajohi@yahoo.com

۱. مقدمه

اجرای عدالت قضایی و برقرای نظم عمومی از جمله مواردی‌اند که همواره مورد اهتمام و دغدغه قانون‌گذاران بوده است. با توجه به اهمیت این مورد، هرگاه کسی به تهدید آن برخیزد، عمل وی با پاسخ‌های قانونی و در اکثر موارد، پاسخ‌های جزایی روبرو خواهد گرفت. از این جهت اعمال‌نفوذ(در قانون جزایی ایران که معادل سوءاستفاده از نفوذ در حقوق افغانستان است) یکی از این رفتارها بوده و مرکب از دو واژه اعمال و نفوذ است. اعمال از لحاظ لغوی به معنای به کار افگندن، به کار بردن و به کار بستن (معین، ۱۳۸۰: ۱۰۳) و نفوذ که از ریشه نفاذ بوده به معنای سوراخ کردن و خارج شدن آن از طرف چیزی آمده است (قرشی، ۱۴۱۲: ۹۱). از این‌رو، نفوذ به معنای کار فرمودن، در کار آوردن، بر کار داشتن و به کار داشتن نیز آمده است (دهخدا، ۱۳۳۸: ۲۹۹۳). به بیان دیگر عبارت سوءاستفاده از نفوذ که معادل اعمال‌نفوذ است در لغت به معنای توجیه کردن، بکار بردن قدرت و نفوذ آمده است (معین، ۱۳۸۰: ۱۱۲۳). برخی از نویسندگان دیگر سوءاستفاده از نفوذ را جرمی می‌دانند که مجرم با علم و عمد به‌قصد سوءاستفاده با عضو دولت یا شهرداری یا کارمند خدمات عامه رابطه خصوصی برقرار می‌کند تا از این مجرا او را به اجرای عمل خلاف قانون وادارد (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۸۸) از این‌روست که جرم سوءاستفاده از نفوذ توسط موظفین خدمات عامه و به‌منظور کسب منفعت و امتیاز ارتکاب پیدا می‌کند؛ به عبارت دیگر، در اعمال‌نفوذ شخص با استفاده از قدرت و نفوذ خود، بر فرد دیگر اثر گذاشته و اعمال اراده و نظر مستقل وی را در امر مورد نظرش تحت تأثیر قرار می‌دهد (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۲-۱۰۱).

سوءاستفاده از نفوذ که در میان عوام‌الناس از آن به پارتی‌بازی نیز یاد می‌شود به تبعیض و جابجایی رابطه بر ضابطه دلالت دارد. واژه پارتی برگرفته از زبان لاتین بوده و به معنای حزب، گروه، طرفداری و جانب‌داری آمده است. در زبان انگلیسی نیز پارتی به معنای حزبی بودن و امثال آن آمده است. اما در میان کشورهای فارسی زبان معمولاً مفهوم منفی و ضد نظم و عدالت را ایفا می‌کند (کوشا، ۱۳۹۱: ۵۶). مرتکبین این جرم اکثراً افراد قدرتمند بوده که تلاش می‌کنند با استفاده از قدرت مادی یا معنوی خویش بر موظفین خدمات عامه تأثیر بگذارند و از این رهگذر نتیجه عمل شخص نفوذپذیر را در راستای منافع خود جهت دهند (نیک گهر، ۱۳۷۹: ۳۳).

سوءاستفاده از نفوذ (اعمال‌نفوذ) از جمله جرایمی است که وقوع آن از یک‌سو، اعتبار دستگاه دولتی و عدالت نهاد قضایی و از سوی دیگر امنیت اداری و اقتصادی افراد را به چالش جدی مواجه می‌گرداند. این رفتار از زمره رفتارهای است که می‌توان در هر جامعه آن را متصور بود. لکن، این رفتار به‌صورت قاعده‌مند، پس از سامان یافتن زندگی بشر به‌صورت نظام‌مند ظهور کرده است. در ساده‌ترین تعبیر می‌توان از سوءاستفاده از نفوذ به فساد اداری نیز تعبیر کرد که عبارت از رفتارهای خلاف قانون است و وجود آن اجرای عدالت را هم در دستگاه دولتی و هم در مؤسسات عمومی و خصوصی، تهدید کرده و از مسیر درست آن خارج می‌سازد. فاعلین این رفتار می‌تواند اشخاص عادی، موظف خدمات عامه و یا توسط شخص رسیدگی

کننده به قضیه‌ی سوءاستفاده از نفوذ، باشد که ممکن است رفتار آن‌ها در قالب فعال و منفعلانه انجام گیرد. از این جهت با توجه به گستردگی عنوان فوق در این تحقیق صرفاً به اعمال‌نفوذ فعال پرداخته خواهد شد.

با توجه به اهمیت رفتار جرمی فوق، مقنن افغانستان و ایران به آن اشاره داشته است. قانون‌گذار افغانستان جهت پیش‌گیری از ارتکاب سوءاستفاده افراد از روابط دوستانه، قرابت فامیلی و .... که با کارمندان اداری و موظفین خدمات عامه می‌توانند داشته باشند، بعد از روی کار آمدن دولت امان‌الله خان و اولین قوانین مکتوب در دوره او، رفتار فوق را مورد توجه قرار داده است. طوری که در فصل پنجم نظام‌نامه عمومی ۱۳۰۰ تحت عنوان «کسانی که نفوذ و مأموریت خود را استعمال بی‌جا نموده و وظیفه مأموری خود را ایفا نمی‌نمایند» مورد توجه بوده است. با گذشت زمان این جرم اهمیت خود را از دست نداده و همچنان مورد دغدغه قانون‌گذاران بعدی بوده است. طوری که قانون‌گذار افغانستان در کد جزای این کشور (مصوب ۱۳۹۵) نیز به این جرم پرداخته و در فصل سوم از باب چهارم در مواد ۳۹۹ و ۴۰۰ این قانون به بررسی آن پرداخته است.

قانون‌گذار ایران نیز در سال ۱۳۰۴ در قانون تحت عنوان «مجازات عمومی» به بحث اعمال‌نفوذ پرداخته است ولی از آنجا که در این قانون افراد عادی شامل آن نمی‌شد، قانون‌گذار در سال ۱۳۱۵ قانون جداگانه‌ای ذیل عنوان «اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی» به تصویب رساند که تاکنون نیز این قانون به قدرت خویش باقی است. لازم به ذکر آن‌که این قانون که متشکل از چهار ماده است؛ ماده ۲ این قانون به‌صورت مشخص می‌تواند رکن قانونی جرم اعمال‌نفوذ قرار گیرد. از این‌رو، هرگاه شخصی خارج از سازمان‌های دولتی، مؤسسات عمومی و سایر نهادهای متذکره در ماده ۳۹۹ کد جزای افغانستان و «قانون مجازات اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی ایران» نفوذ یا ادعای نفوذ نموده و اقدام به ارتکاب عمل مجرمانه نماید، به آن سوءاستفاده از نفوذ اطلاق می‌گردد.

بنابراین، با توجه به اهمیت رفتار جرمی فوق در ادامه ابتدا به بیان مبانی جرم‌انگاری این رفتار و سپس، به بررسی ارکان تشکیل‌دهنده آن (رکن مادی و معنوی) به‌صورت تطبیقی میان نظام حقوقی افغانستان و ایران پرداخته خواهد شد؛ از این جهت با توجه به گستردگی عنوان فوق از بیان ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده از سوی قانون‌گذاران دو کشور نسبت به این رفتار امتناع خواهد شد. لازم به ذکر است که رکن قانونی این رفتار جرمی در مقدمه حاضر موردبررسی قرارگرفته است و در ادامه لازم به بیان مجدد آن نخواهد بود. همچنین این رفتار جرمی در نظام حقوقی افغانستان تحت عنوان «سوءاستفاده از نفوذ» و در قانون ایران از آن به «اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی» تعبیر شده است که نگارنده در این تحقیق از عبارت «سوءاستفاده از نفوذ» جهت تبیین رفتار جرمی مشمول ماده‌های ۳۹۹ و ۴۰۰ کد جزای افغانستان و مواد چهارگانه قانون اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات جمهوری اسلامی ایران به ویژه ماده ۲ این قانون، به کار خواهد برد.

۲. مبانی نظری

۱/۲. مبنای جرم‌انگاری سوءاستفاده از نفوذ

سوء استفاده از نفوذ یکی از رفتارهای جرمی است که از زمان‌های گذشته تا به امروزه وجود داشته است؛ طوری‌که پیامبر اسلام(ص) در سیره خویش، بر قباحت این مورد اشاره داشته است. در زمان فتح مکه، یک زن از قبیله «بنی مخزون» مرتکب سرقت شده و جرم او نیز محرز می‌گردد. از آنجایی که در زمان اعراب جاهلیت به‌صورت گسترده و در زمان رسالت پیامبر گرامی اسلام(ص) به‌صورت پراکنده، مباحث قبیله‌ی به‌صورت جدی مطرح بوده؛ رفتار جرمی فردی از قبیله لکه ننگی بر تمام افراد آن قبیله بوده است. بر این اساس اجرای مجازات سرقت بر آن زن، لکه ننگی برای خانواده و قبیله او بوده است.

از این جهت، آنان بر آن شدند تا اجرای مجازات وی را متوقف سازند و برای این امر «اسامه بن زید» که از محبوبین پیامبر اسلام(ص) بوده جهت شفاعت زن مجرم، نزد رسول خدا فرستاده شده است؛ اسامه بن زید همین‌که نزد پیامبر گرامی اسلامی(ص) رسیده، لب بر شفاعت آن زن سارق گشوده، چهره پیامبر(ص) دگرگون می‌شود که نشان‌دهنده شدت خشم ایشان بوده و در این حالت به اسامه بن زید بیان می‌دارد: «چه جای شفاعت است، مگر می‌توان حدود قانون الهی را بلااجرا گذاشت؟» از این‌رو، پیامبر اسلام(ص) دستور اجرای مجازات سرقت را بر زن سارق صادر کرده است (نوری، ۱۳۶۸: ۷)؛ بنابراین، در راستای اجرای حدود احکام الهی پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز سوءاستفاده از نفوذ را مورد تائید قرار نداده و آن را از جمله رفتارهای مذموم و ناپسند دانسته‌اند؛ زیرا وجود چنین امری در جامعه باعث عدم اجرای عدالت شده و جامعه را به‌سوی پرتگاه به‌پیش می‌برد.

همچنین علی(ع) نیز در نامه که به مالک اشتر می‌نویسید می‌فرمایند: «... زمامدار را خواص و نزدیکان است که خوی برتری‌طلبی دارند، خود را بر دیگران مقدم سازند، به اموال مردم دست‌اندازی نمایند و در معامله با مردم کمتر رعایت انصاف کنند. موجبات این احوال را قطع کن و بدین‌وسیله ریشه‌ی این مردمان را برکن. به هیچ‌یک از اطرافیان و خویشانت زمینی از زمین‌های مسلمانان واگذار مکن و نباید در تو طمع کنند که قراردادی به سود آن منعقد سازی که سبب زیان همسایگان شود. خواه در آب‌یاری و یا در عمل مشترک دیگری به‌گونه‌ای که هزینه‌ی آن را بر دیگران تحمیل‌کنند که در این صورت سودش برای آن طمع‌کاران است و عیب و ننگش در دنیا و آخرت بر تو خواهد بود» (علی بن ابی‌طالب؛ ترجمه علی شیروانی، ۱۳۹۲: ۶۹۷)؛ بنابراین، به‌خوبی می‌توان دغدغه علی(ع) از وجود نفوذ خویشان و نزدیکان بر یک حاکم را استنباط کرد. این مورد، آن‌چنان مورد توجه آن حضرت بوده که در نامه شیوه حکومت‌داری به مالک اشتر می‌نویسند که مبادا خویشان و اطرافیانت در تو طمع کرده و قراردادی به سودی آنان منعقد سازی که این مورد سبب ننگ حاکم در دنیا و آخرت از یک‌سو و سود جستن فرد اعمال کننده نفوذ از سوی دیگر خواهد بود.

در نظام حقوقی افغانستان و ایران برای جرم سوءاستفاده از نفوذ مبانی دیگری نیز مورد توجه بوده است. یکی از این موارد اصل مصلحت‌اندیشی قانونی است. بر طبق این اصل دولت به نمایندگی از افراد

مصلحت‌های را تشخیص می‌دهد که ثمره آن منفعت جامعه باشد. از این رهگذر در جوامع که اصل فردی بر اصل جمعی برتری دارد، اصل مصلحت‌اندیشی قانونی یا همان اصل پدرسالاری که در اختیار دولت بوده و او به نمایندگی از افراد تشخیص می‌دهد که چه چیزی به سود آنان و چه چیزی به ضرر آنان است از چالش‌های مهم قانون‌گذاری محسوب می‌شود. بنابراین، مهم‌ترین استدلال در این حوزه جهت محدودسازی حقوق فردی همانا بحث مصلحت عمومی است که ثمره آن به طریق اولی مهم‌تر از مصلحت فردی خواهد بود (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۰۹). از آنجا که در جوامع اسلامی مصالح پنج‌گانه[1] مورد حمایت قانون‌گذاران قرار دارد بناً ضمانت اجراها نیز برای پیش‌گیری و یا مبارزه با عوامل تهدید کننده آن‌ها به مرحله ظهور می‌رسند (فرح بخش، ۱۳۹۲: ۳۳۵). وانگهی، با توجه به آن‌که پیکان رفتار سوءاستفاده از نفوذ عدالت قضایی جامعه را نشانه می‌رود این رفتار نه‌تنها مصلحت عمومی که مصالح قضایی، سیاسی و اقتصادی را نیز تهدید می‌کند. بر این اساس است که قانون‌گذاران افغانستان و ایران جهت حفظ مصالح فوق و آرامش خاطر روحی اتباع خویش به جرم‌انگاری این رفتار مبادرت ورزیده‌اند.

در کنار اصل فوق، حکم عقل نیز مورد توجه است. چنانچه بر طبق قاعده فقهی «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع حکم به العقل» هر آنچه را که عقل حکم کند، شرع نیز بدان حکم می‌کند.. . بر این اساس، از آنجا که رفتار سوءاستفاده از نفوذ، یکی از رفتارهای است که عدالت قضایی را نشانه می‌رود و شرع نیز بر اجرای عدالت تأکید فراوان دارد از این جهت طبق حکم عقل چنین رفتارهای مذموم و نفی دانسته می‌شود. علاوه بر مبناهای ذکر شده به جرم‌انگاری سوءاستفاده از نفوذ، می‌توان به اصل ضرر که یکی از مبناهای معقول جهت محدودسازی آزادی‌های فردی دانسته می‌شود و از آن در فقه اسلامی به «قاعده لاضرر» یاد شده، نیز استناد کرد. بر طبق اصل فوق تا زمانی‌که رفتار افراد برای جامعه و افراد دیگر خطری ایجاد نکنند، افراد حق دخالت در آن را ندارند. ولی هرگاه رفتار کسی باعث ایجاد تعرض ضرر بر دیگران گردد، با استناد به این اصل می‌توان رفتار وی را با پاسخ قانونی مواجه ساخت (فرح بخش، ۱۳۹۲: ۳۳۲).

بنابراین، اصل فوق در واقع مرزی میان آزادی‌های فردی و حقوق اجتماعی است؛ بدین بیان که رفتار افراد تا زمانی که به حقوق دیگران صدمه وارد نکند، از جمله رفتارهای خصوصی و شخصی تلقی خواهد شد. لکن در صورتی‌که استیفاء حقوق شخصی/ خصوصی باعث تعرض به حقوق دیگران شده و امنیت جامعه را به خطر مواجه سازد، رفتار مرتکب از دیدگاه قانونی، جرم پنداشته شده و مورد پیگرد قرار خواهد گرفت تا زمینه رشد و از بین بردن آن رفتار را فراهم آورد. در سوءاستفاده از نفوذ فرد مرتکب از حیطه آزادی‌های فردی خویش خارج شده و بر طبق نفوذ که بر موظفین خدمات عامه و ... دارند، وارد حقوق و آزادی‌های دیگران شده و در بسیار موارد علاوه بر سایر تهدیدات، عدالت قضایی را به چالش می‌کشد. بنابراین، برای جلوگیری از این عمل می‌بایست چنین رفتارهای جرم‌انگاری شده و برای مرتکبین آن ضمانت اجراهای نیز در نظر گرفته شود. با توجه به موارد یاد شده قانون‌گذار افغانستان در ماده‌های ۳۹۹ و ۴۰۰ کود

۱- مصالح پنج‌گانه شامل: ۱- عقل ۲- دین ۳- نفس ۴- نسل ۵- دین، می‌شود.

جزا و قانون‌گذار ایران قانون جداگانه‌ی را در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی، ذیل چهار ماده برای عنوان فوق بیان و به تصویب رسانیده‌اند.

۲/۲. ارکان جرم

با توجه به اهمیت تبیین ارکان تشکیل‌دهنده رفتارهای جرمی، در ادامه، به بیان ارکان مادی و معنوی جرم سوءاستفاده از نفوذ در نظام حقوقی افغانستان و ایران پرداخته خواهد شد. با توجه به اهمیت رکن قانونی در هر رفتار، بالاخص در نظام‌های حقوقی مبتنی بر نظام رومی–ژرمنی که این رکن از اهمیت خاصی نیز بهره‌مند است، نویسنده قائل به تائید این رکن بوده، لکن با توجه به آن‌که در مقدمه تحقیق حاضر به مواد قانونی آن پرداخته‌شد از تکرار آن ذیل عنوان مستقل رکن قانونی امتناع گردیده و صرفاً به بررسی رکن مادی و معنوی بسنده خواهد شد.

۱/۲/۲ رکن مادی

در میان ارکان تشکیل دهنده جرایم، رکن مادی از اهمیت و پیچیدگی خاصی برخوردار است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۴: ۶۷). قانون‌گذار افغانستان در ماده ۳۳ کد جزا به تعریف رکن مادی جرم پرداخته و آن را «...ارتکاب عمل مخالف قانون یا امتناع از اجرای عملی که قانون به آن حکم نموده است به نحوی که ارتکاب یا امتناع منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت میان عمل و نتیجه موجود باشد» تعبیر کرده است. در قانون مجازات اسلامی ایران، تعریف مشخصی از رکن مادی جرم بیان نشده است؛ اما نویسندگان حقوقی این کشور در آثار خویش در خصوص تبیین جرایم به تفصیل به تعریف و بیان اجزاء رکن مادی پرداخته‌اند. طوری که عنصر مادی را جسم و پیکره جرم دانسته و هر بخشی از عنوان مجرمانه که از مرحله ذهنیت مرتکب فراتر برود و در عالم خارج ظهور و بروز پیدا کند، رکن مادی نام نهاده‌اند.

به بیان دیگر، منظور از رکن مادی همه اموری است که در جرم به شکلی قابل رؤیت و مشاهده باشد؛ یعنی اجزایی که دارای مادیت هستند. اموری که ظاهری هستند و محدود به قلمرو ذهنیت مرتکب نمی‌باشند (الهام و محسن برهانی، ۱۳۹۲: ۲۱۶)؛ بنابراین، برای تحقق هر رفتار جرمی لازم است تا رکن مادی محقق گردد؛ یعنی افراد اراده و قصد جرمی خود را با رفتار مجرمانه در عالم مادی بروز دهند؛ تا زمانی‌که اراده افراد در قالب ارتکاب یا امتناع از یک رفتار مجرمانه ظهور نکند، عملاً رفتار جرمی محقق نشده است. بر این اساس است که صرفاً داشتن عقیده، اندیشه یا انگیزه جرمی بدون ظهور دادن آن در عالم مادی، به‌صورت رفتار مادی قابل تعقیب و مجازات نیست. از این جهت، برای تحقق هر رفتار جرمی، لازم است تا فرد از اندیشه مجرمانه بیرون آمده، دست به تهیه مقدمات ارتکاب زده و سپس، شروع به جرم نموده و در نهایت مطابق بیان قانون‌گذار در مواد قانونی نسبت به رفتارهای جرمی (مطلق و مقید) به تحقق آن جرم ختم گردد. در این فرآیند مهم‌ترین موردی که به آن باید توجه داشت، بحث رکن مادی جرم است. بنابراین، در ادامه به بررسی عناصر تشکیل دهنده رکن مادی جرم سوءاستفاده فعال از نفوذ در حقوق افغانستان و ایران پرداخته خواهد شد.

۱/۱/۲/۲. رفتار مجرمانه

در رابطه با تبیین رفتار مجرمانه در جرم سوءاستفاده از نفوذ باید میان سوءاستفاده از نفوذ فعال و منفعل دقت داشت؛ زیرا رفتار مجرمانه در این دو مورد کاملاً از یکدیگر متفاوت بوده و قانون‌گذار هر دو کشور در ماده‌های جداگانه[۱] به بیان رفتار مجرمانه هر یک از عنوان‌های فوق پرداخته است. سوءاستفاده از نفوذ از جمله جرایمی است که رفتار مجرمانه آن متشکل از رفتارهای متفاوت بوده و در اشکال مختلف، قابلیت تحقق را دارا است.

مطابق با جزء ۲ ماده ۳۹۹ کد جزای افغانستان[۲] رفتار مجرمانه سوءاستفاده از نفوذ فعال را «وعده»، «پیشنهاد» و «اعطا»ی مستقیم و غیرمستقیم منفعت نامشروع تشکیل می‌دهد. هرگاه افرادی مشمول جزء ۲ ماده ۳۹۹ کد جزای افغانستان[۳] منفعت نامشروع را به موظف خدمات عامه یا موظف دولت خارجی یا ... شخص دیگر وعده، پیشنهاد یا اعطا کند و هدف از اعطا کردن این امر کسب منفعت نامشروع از اداره و یا مقام رسمی دولتی باشد، در این صورت جرم سوءاستفاده از نفوذ فعال محقق گردیده است. فرقی نمی‌کند منفعت فوق برای شخص تحریک کننده اصلی باشد و یا شخص ثالث؛ در هر صورت تحقق این امر متصور است. اما پرسشی در این بخش مطرح است که مراد قانون‌گذار افغانستان از تحریک کننده اصلی کیست؟ به نظر می‌رسد مراد قانون‌گذار از تحریک کننده اصلی شخصی است که منفعت نامشروع را به یکی از اشخاص نامبرده شده در این جزء وعده، پیشنهاد و یا اعطا می‌کند.

البته باید تصریح کرد که وعده، غیر از پیشنهاد است؛ زیرا در وعده، یک توافق دو طرفی محقق شده و فرد به انجام دهنده عمل می‌گوید که بعداً به شما مقدار منفعتی را پرداخت خواهم کرد. لکن در پیشنهاد فرد برای شخص مورد نظر در قالب یک طرح می‌گوید که اگر این کار را انجام بدهید فلان منفعت را به شما خواهم داد. در این صورت اگر فرد موردنظر آن منفعت نامشروع را قبول، تحقق رفتار مجرمانه متصور است. لکن اگر منفعت مورد پیشنهاد نامشروع نبوده و حق مسلم خودش باشد در این صورت تحقق رفتار مجرمانه سوءاستفاده از نفوذ دچار تردید می‌شود. گاهی موارد هم رفتار مجرمانه غیر از وعده و پیشنهاد بوده و در قالب اعطا کردن منفعت نامشروع ظهور می‌کند که در این خصوص فرد جهت رسیدن به منفعت نامشروع را به افراد نامبرده شده در جزء ۲ ماده ۳۹۹ کد جزا به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم اعطا می‌کند تا از این رهگذر به منفعت نامشروع مورد نظرش در یک اداره و یا مقام رسمی دوتلی دست یابد.

نکته قابل تأمل این‌که در جزء ۲ ماده ۳۹۹ کد جزای افغانستان قانون‌گذار در قسمت آخر ماده فوق اشعار داشته است: «...کسب منفعت نامشروع از یک اداره یا مقام رسمی...» از این‌رو، منفعت نامشروع ذکر شده

۱- قانون‌گذار افغانستان در ماده ۳۹۹ کد جزا که متشکل از سه جزء است در جزء ۱ این ماده به بیان سوءاستفاده از نفوذ فعال و در جزء ۲ این ماده به سوءاستفاده از نفوذ فعال پرداخته است. قانون‌گذار ایران نیز در ماده ۱ و ۲ قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵ به بررسی اعمال نفوذ فعال پرداخته است و در ماده‌های ۳ و ۴ این قانون به اعمال نفوذ فعال اشاره داشته است.

۲- «*وعده یا پیشنهاد یا اعطای مستقیم یا غیر مستقیم منفعت نامشروع به موظف خدمات عامه یا موظف دولت خارجی یا سازمان بین‌المللی یا بین‌الحکومتی یا موسسه غیردولتی و یا شخص دیگر طوری که اشخاص مذکور از نفوذ واقعی یا فرضی خود یا دیگری بمنظور کسب منفعت نامشروع از یک اداره یا مقام رسمی به نفع تحریک کننده اصلی یا شخص دیگری سوءاستفاده نماید.*»

۳- «*موظف خدمات عامه یا موظف دولت خارجی یا سازمان بین المللی یا موسسه بین‌الحکومتی یا موسسه غیردولتی و یا شخص دیگر*»

در این بخش از ماده، مشمول منفعت مادی می‌شود یا مشمول منفعت معنوی؟ و یا اینکه هر دو مورد را در بر می‌گیرد؟ به نظر می‌رسد با توجه به آن‌که قانون‌گذار افغانستان در جزء ۱ این ماده در خصوص توضیح منفعت نامشروع به مادی و معنوی نیز اشاره داشته است، این بیان قانون‌گذار شامل جزء ۲ این ماده نیز بشود؛ زیرا در این امر جهت جلوگیری از تکرار عبارات از بیان دوباره آن در این ماده امتناع به عمل آمده و همچنین می‌شود مطابق برداشت از بیان مطلق کلمه «منفعت» به این نتیجه رسید که این منفعت هم شامل منفعت مادی و هم شامل منفعت معنوی می‌گردد.

بنابراین، در نظام حقوقی افغانستان برای تحقق جرم سوءاستفاده از نفوذ فعال لازم است تا فردی به یکی از افراد نامبرده شده در جزء ۲ ماده ۳۹۹ کد جزای افغانستان (موظف خدمات عامه، موظف دولت خارجی، سازمان بین‌المللی، موسسه بین‌الحکومتی یا موسسه غیردولتی و یا شخص دیگر)، جهت رسیدن به منفعت نامشروع در نزد اداره یا مقام رسمی دولتی، منفعت نامشروعی را به اشخاص فوق وعده، پیشنهاد و یا اعطا کند؛ فرقی نمی‌کند منفعت نامشروع فوق به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم (همانند رشاء و ارتشاء) به اشخاص ذکر شده وعده، پیشنهاد و یا اعطا گردد. در هر صورت، امکان تحقق رفتار مجرمانه این جرم در این سه حالت در نظام حقوقی افغانستان قابل تصور است.

بنابراین، رفتار مجرمانه سوءاستفاده از نفوذ در نظام حقوقی افغانستان فعل مثبت مادی و معنوی است. با این توضیح که برای تحقق این جرم می‌بایست فرد یکی از رفتارهای «وعده»، «پیشنهاد» و «اعطا» را از خود بروز دهد که وعده و پیشنهاد از زمره رفتارهای مادی–معنوی؛ یعنی بیان شده ولی وجود مادی صرف ندارند و از جهت بیان به آن مادی–معنوی گفته می‌شود و اعطا نیز مادی صرف پنداشته می‌شود؛ یعنی یک چیزی که ارزش مادی یا معنوی دارد به طرف اعطا می‌شود.

مطابق بیان قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، رفتار مجرمانه این جرم متعدد بوده و در قالب تحصیل، وعده و گرفتن تعهد محقق می‌شود. تحصیل می‌تواند به این معنا باشد که فرد که می‌خواهد سوءاستفاده از نفوذ را انجام دهد یک منفعت نامشروعی را به ازاء اعمال نفوذ خود مادتاً دریافت کند در غیر آن تحقق تحصیل با تردید روبرو خواهد شد. همچنین وعده و گرفتن تعهد وجه نقد یا منفعت دیگر نیز به معنای همان رفتار مادی معنوی است که در نظام حقوقی افغانستان نیز پیش‌بینی شده است؛ یعنی فرد مرتکب در اینجا مادتاً وجه نقد یا منفعت دیگری را دریافت نکرده است ولی وعده پرداخت یا تعهد مبنی بر پرداخت را در ازاء اعمال‌نفوذ خویش گرفته است.

لازم به ذکر است که در نظام حقوقی ایران ممکن است مرتکب سوءاستفاده از نفوذ فعال شخص عادی و یا وکیل عدلیه باشد؛ بنابراین، همانند نظام حقوقی افغانستان در نظام حقوقی ایران نیز رفتار مجرمانه این جرم در قالب فعل مثبت مادی و مثبت معنوی قابل تحقق است. دیدگاه قانون‌گذار هر دو کشور در خصوص رفتار مجرمانه جرم سوءاستفاده از نفوذ تا حدودی نزدیک است. مثلاً هم در نظام حقوقی افغانستان و هم در نظام حقوقی ایران «وعده» یکی از رفتارهای است که می‌تواند رفتار مجرمانه سوءاستفاده از نفوذ را شکل دهد. لکن قانون‌گذار افغانستان قائل به آن است که سوءاستفاده از نفوذ می‌تواند در قالب «اعطا» محقق

شود و قانون‌گذار ایران بحث «تحصیل» را پیش کشیده است که هرچند این دو عبارت در نهایت به یک نتیجه ختم می‌شود.

اما در بحث اقدام اولی تفاوت وجود دارد؛ یعنی در نظام حقوقی افغانستان رفتار مثبت مادی از سوی شخص به دیگری صورت می‌گیرد. ولی در نظام حقوقی ایران تحصیل از سوی افراد نامبرده شده در ماده ۱ به ازای اعمال‌نفوذ «تحصیل» می‌شود. به بیان دیگر، در نظام حقوقی افغانستان یک مرحله قبل از تحصیل که اعطا است مورد توجه بوده ولی در نظام حقوقی ایران مرحله دوم که تحصیل کردن باشد مورد توجه قرار گرفته است. تفاوت دیگری که در بحث رفتار مجرمانه سوءاستفاده از نفوذ میان نظام حقوقی افغانستان و ایران وجود دارد این است که قانون‌گذار افغانستان قائل بر آن است که رفتار مجرمانه این جرم علاوه بر دو مورد قبلی می‌تواند در قالب «پیشنهاد» نیز محقق شود. لکن قانون‌گذار ایران به این مورد اشاره نداشته و به‌جای این مورد «گرفتن تعهد» را پیش‌بینی کرده است. با توجه به موارد که بیان شد تفاوت دیگری که در اینجا میان دو نظام حقوقی وجود دارد این است که در نظام حقوقی افغانستان کسب «منفعت نامشروع» قید شده است ولی در نظام حقوقی ایران «وجه نقدی یا فائده دیگر» مورد توجه قانون‌گذار بوده است.

از این جهت، نگارنده بر این باور است که دامنه منفعت نامشروع گسترده‌تر از وجه نقد و فائده دیگر است؛ زیرا وجه نقد و فائده دیگر در برخی موارد ممکن است این سوال را به پیش کشد که اگر فردی به خاطر به دست آوردن حق خود که یک فائده و یا وجه نقدی را تشکیل می‌دهد، از نفوذ خود استفاده کند آیا این رفتار سوءاستفاده از نفوذ پنداشته می‌شود یا خیر؟ اما در نظام حقوقی افغانستان تکلیف این امر مشخص شده و قانون‌گذار بیان داشته که منفعت می‌بایست نامشروع باشد. از این‌رو، هرگاه فردی به خاطر به دست آوردن منفعت مشروع دست به رفتاری بزند که از جمله رفتارهای جزء ۲ ماده ۳۹۹ کد جزا قرار گیرد، این رفتار حداقل در قالب بیان این ماده قابل پیگرد نخواهد بود؛ زیرا منفعت مورد نظر در این ماده مشروع بوده است.

۲/۱/۲/۲. موضوع جرم

با توجه به آن‌که سوءاستفاده از نفوذ از زمره جرایم مانع محسوب می‌شود؛ بر این اساس موضوع رفتار پیش‌بینی شده در قانون ایران و افغانستان متفاوت است. مطابق با ماده ۲ قانون اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات موضوع این ماده اعمال نفوذ برخلاف حق نسبت به کارکنان دولت و یا خدمات عمومی است. اما قانون‌گذار افغانستان موضوع رفتار فوق را وسیع‌تر در نظر داشته و در جزء ۲ ماده ۳۹۹ کود جزا موضوع اعمال نفوذ را نسبت به مؤظف خدمات عامه یا مؤظف دولت خارجی یا سازمان بین‌المللی یا بین‌الحکومتی یا مؤسسه غیردولتی و یا شخص دیگر دانسته است که به نوعی تمثیلی دانسته شده است. بنابراین، در جرم فوق، هدف، سوءاستفاده از روابط شخصی رسمی است. از این رهگذر با توجه به روابط شخصی اشخاص نامبرده شده در ماده ۲ قانون اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی ایران و جزء ۲ ماده ۳۹۹ کود جزای افغانستان مطابق درخواست شخص نفوذ کنند و در ازاء منفعت نامشروع (در حقوق افغانستان) و وجه نقدی یا فائده دیگر (در حقوق ایران) ارتکاب می‌یابد.

اعمال نفوذ همواره باید در جهت منفعت نامشروع و یا برخلاف حق و مقررات قانونی باشد. از این رهگذر هرگاه اعمال نفوذ در جهت اعمال حق و یا اعمال ارفاق صورت گیرد، رفتار فوق جرم پنداشته نخواهد شد. چنان‌که کودک یا زنی را بخواهند محاکمه کند و فردی شخصی را واسطه کند تا با مرتکب ارفاق صورت گیرد.

۳/۱/۲/۲. شخصیت مرتکب

مطابق بیان قانون‌گذار افغانستان در جزء ۲ ماده ۳۹۹ کد جزای این کشور، شخصیت مرتکب در این جرم اثرگذار بوده و فرد (می‌تواند شامل هرکسی شود) منفعت نامشروع را باید به موظف خدمات عامه[۱] یا موظف دولت خارجی یا سازمان بین‌المللی یا بین‌الحکومتی یا موسسه غیردولتی و یا شخص دیگر جهت سوءاستفاده از نفوذ واقعی و یا فرضی آن‌ها به نفع خود و یا شخص دیگر استفاده کند. اشخاص نامبرده شده در جزء ۲ ماده ۳۹۹ کد جزای افغانستان شامل افراد مشخصی می‌شود که قانون‌گذار به صراحت آن‌ها را بیان داشته است. لکن در ادامه‌ی نامبردن این اشخاص، قانون‌گذار از بیان «...و یا شخص دیگر...» استفاده کرده است.

پرسشی که در خصوص این مورد ایجاد می‌شود این است که مراد قانون‌گذار افغانستان از بیان این عبارت چه بوده است؟ آیا اشخاص دیگر شامل افراد غیر از کارمندان نامبرده شده در اشخاص حقوقی بالا است؟ یا افراد عادی را نیز در کنار آن قرار می‌دهد؟ و یا این‌که مراد قانون‌گذار از بیان این عبارت اشاره به بحث یک شخص ثالث است که به جای شخص اصلی می‌آید یک منفعت نامشروع را به اشخاص نامبرده شده قبل از «و یا اشخاص دیگر» وعده، پیشنهاد و یا اعطا می‌کنند را شامل می‌شود؟ به نظر نگارنده به نظر می‌رسد مراد قانون‌گذار از عبارت «و یا شخص دیگر» همان تعبیر سومی باشد؛ زیرا در جرم رشاء و ارتشاء نیز این مورد وجود دارد که شخصی سومی به جای شخص دوم می‌آید رشوه را به شخص دیگر می‌دهد و همین مورد در خصوص جرم سوءاستفاده از نفوذ نیز قابل تصور بوده می‌تواند. بر اساس بیان قانون‌گذار ایران در ماده ۲ قانون مجازات اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، هرکسی می‌تواند اعمال نفوذ را با استفاده از روابط خصوصی رسمی بر کارکنان دولتی انجام دهد.

۴/۱/۲/۲. وسیله ارتکاب

با توجه به بیان قانون‌گذار افغانستان در کد جزای این کشور و بیان قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، وسیله مجرمانه در این جرم برخلاف جرم محاربه که وسیله جزء ذات و ماهیت آن است، تأثیر در تحقق و یا عدم تحقق آن ندارد. همچنین برخلاف جرم سرقت ساده و مسلحانه که مجازات‌های متفاوتی دارند، در سوءاستفاده از نفوذ داشتن و یا عدم داشتن وسیله باعث تأثیر در میزان مجازات فرد مرتکب نمی‌گردد. هرگاه شخصی مرتکب جرم فوق گردد، مطابق ماده ۴۰۰ کد جزای

۱- مطابق با جزء ۳ ماده ۴ کد جزای افغانستان: «موظف خدمات عامه، شخصی است که به اجرای خدمات عامه توظیف گردیده و شامل اشخاص ذیل می‌باشد: - کارکن دولت، تصدی‌ها و شرکت‌های دولتی. — کارکن موسسه‌های عامه یا تشبثاتی که خدمات عامه را انجام می‌دهند. — اعضای ارکان دولت و اعضای نهادهای انتخابی. — قاضی، سارنوال، وکیل مدافع، حکم، اهل خبره و سایر اشخاصی که تصادیق شان معتبر شناخته شود. — شخصی که رسماً به انجام خدمات عامه موظف شده باشد.

افغانستان و مجازات پیش‌بینی شده در ماده ۲ قانون مجازات اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی ایران، مجازات خواهند شد.

۵/۱/۲/۲. شرایط تحقق

برای تحقق جرم سوءاستفاده از نفوذ برخی شرایط مهم پنداشته می‌شود که می‌بایست این شرایط در تحقق جرم لحاظ گردد؛ بنابراین، برای بررسی این مورد ابتدا به نظام حقوقی افغانستان و سپس به نظام حقوقی ایران اشاره صورت خواهد گرفت.

۱/۵/۱/۲/۲. در نظام حقوقی افغانستان

- برای تحقق جرم سوءاستفاده از نفوذ اولین شرط آن است که می‌بایست یک قضیه یا کاری نزد اداره یا مقام رسمی دولتی از طرف تحریک کننده اصلی مطرح باشد؛
- به دنبال آن کارمند و یا مأمور رسمی دولتی که کار و یا قضیه نزد او مطرح است می‌بایست نسبت به این‌که ممکن است رفتار وی به دلیل سوءاستفاده از نفوذ دیگری به نفع یا ضرری کسی تمام شود، بی‌اطلاع باشد؛
- شرط دیگر که در این جرم می‌بایست در نظام حقوقی افغانستان مورد توجه قرار داده شود این است که فردی که نزد مراجع ذکر شده در ماده ۳۹۹ کد جزا، دوسیه و کارش گیر است، در جریان این امر قرار داشته باشد و فرد دارای نفوذ را به سوءاستفاده از آن تحریک کند؛
- اشخاص نامبرده شده در ماده ۳۹۹ کد جزای افغانستان ممکن است دارای نفوذ واقعی و یا فرضی باشد و یا این‌که از نفوذ دیگری استفاده کند که در هر صورت تحقق این جرم ممکن است؛
- لازم به ذکر است که نفوذ فرد ادعا کننده باید طوری باشد که باعث تحریک فرد صاحب دوسیه یا کسی‌که کارش گیر است بشود (همانند کلاه‌برداری که صرف دروغ کافی نیست بلکه این دروغ با عملی همراه باشـــد که به آن باورپذیری بدهد) و به همین اســـاس منفعت نامشـــروع را به او اعطا، پیشنهاد و یا وعده دهد.
- منفعت نامشروع نامبرده شده در ماده ۳۹۹ کود جزا اعم از مادی و معنوی است؛ بنابراین، صرف مال مورد توجه مقنن نبوده بلکه منفعت می‌تولند غیر از وجه نقدی و یا مال باشـــد. مثل دریافت لوح تقدیر، برنده شدن در یک هراج، دریافت توافق نامه با یک شرکت و سایر موارد.

۲/۵/۱/۲/۲. در نظام حقوقی ایران

با توجه به آن‌که قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در رابطه به تحقق جرم سوءاستفاده از نفوذ ذیل ماده ۲ قانون مجازات اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی شرایطی را پیش‌بینی کرده است در به بیان آن پرداخته خواهد شد:

- اولین شرط تحقق این ماده آن است که میان مرتکب و مأمورین یا مستخدمین می‌بایست رابطه خصوصی حاکم باشد. روابط خصوصی مراد مقنن همانا روابط خصوصی رسمی است؛ زیرا اگر هر رابطه‌ی هرچند رابطه خصوصی مدنظر قرار گیرد، دامنه شمول ماده ۲ گستردگی بیش از حد پید

کرده و آزادی افراد تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر افراد با استفاده از روابط خصوصی رسمی بیشتر تحت تاثیر قرار می‌گیرند تا از روابط خصوصی غیر رسمی و ... .

- وجود اطلاع مرتکب از مطرح بودن کار یا قضیه نزد مأمور یا مستخدم دولتی یا سایر نهادهای یاد شده در ماده ۱ قانون مجازات اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی؛
- وجود رابطه میان مرتکب با یکی از افرادی که دوسیه یا کارش نزد مأمور و مستخدم دولت مطرح است؛
- عدم دریافت هرگونه وجه، فایده و ... دیگر برای مرتکب در برابر سوءاستفاده از نفوذش؛
- عدم دریافت هرگونه فایده و یا منفعتی در قبال کار انجام شده از سوی کارمند و یا مأمور نهادهای پیش‌بینی شده در قانون مجازات اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی؛
- در نهایت سوءاستفاده از نفوذ محقق نمی‌شود مگر آن‌که برخلاف حق و مقررات قانونی باشد؛ بدین توضیح که اگر شخص الف جهت تسریع بخشیدن به امور اداری خویش اعمال‌نفوذ کند و رفتار وی مغایر با قانون نباشد، رفتار وی را نمی‌توان شامل ماده ذکر شده دانست.
- اعمال نفوذ به وسیله فعل ارتکابی قابل ارتکاب است. از این رهگذر عدم اعمال نفوذ و یا اجرا نکردن آن از دایره شمول این ماده خارج بوده و جرم پنداشته نمی‌شود.
- به قرینه وجه «بپردازد» و «مسترد کند» در ماده ۱ قانون اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵ ایران، گسترده وجه و یا فایده اخذه شده صرفاً فواید مالی است.

۶/۱/۲/۲. نتیجه مجرمانه

بر اساس بیان قانون‌گذار افغانستان و ایران، سوءاستفاده از نفوذ از زمره جرایم مانع بوده و این جرایم تحت عنوان جرایم مطلق مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ بنابراین، در بحث رکن مادی چنین جرایم قائل به نتیجه خاصی نبوده و در نظام حقوقی افغانستان صرف اعطا، پیشنهاد یا وعده به‌منظور سوءاستفاده از نفوذ کافی پنداشته شده است. از رهگذر ماده ۲ قانون اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵ ایران صرفا این‌که شخصی از دیگری به جهت اعمال نفوذ از رهگذر روابط خصوصی بر مأمورین و یا مستخدمین ذکر شده در ماده ۱ این قانونی، وجه نقدی یا فایده دیگری را دریافت نماید، صرف دریافت برای تحقق این جرم کافی پنداشته شده و هرچند که موفق به اعمال نفوذ نیز نگردد، مرتکب ماده ۲ قانون فوق گردیده است.

۲/۲/۲. رکن معنوی

بر اساس بیان قانون‌گذار افغانستان و ایران در رابطه با سوءاستفاده از نفوذ چنین استنباط می‌گردد که این جرم از جمله جرایم عمدی بوده و وجود عمد و اراده برای تحقق این رفتار مجرمانه ضروری است. در غیر این صورت تحقق این جرم به‌صورت غیرعمدی و یا سهوی دچار تردید است. از این جهت، مرتکب این جرم می‌بایست نسبت به رفتار مجرمانه که انجام می‌دهد علم و آگاهی داشته و بداند که دست به ارتکاب رفتار خلاف قانون میزند و این رفتار دارای مجازات معینی است؛ بنابراین، در نظام حقوقی افغانستان هرگاه

فرد صاحب نفوذ به‌منظور سوءاستفاده از نفوذ نزد یک اداره یا مقام دولتی منفعتی را دریافت کند و از اداره مورد نظر درخواست کند تا کاری را به نفع تحریک کننده اصلی انجام دهد، می‌توان سوءنیت عام را محقق دانست.

در نظام حقوقی ایران نیز خواه منفعت خود شخص صاحب نفوذ مدنظر باشد و یا به دنبال منافع فرد دیگر باشد رفتار مرتکب مبتنی به طرح درخواست تغییر امور و تصمیمات اداری است؛ بنابراین، هرگاه اراده شخص درخواست کننده توأم با نفوذ باشد سوءنیت عام محقق شده است. از سوی دیگر کارمند که نفوذ سایر افراد را در امور محوله خویش تأثیر می‌دهد و رفتار مجرمانه آن شامل پذیرش نفوذ، شخص صاحب نفوذ می‌شود در این صورت تجسم سوءنیت عام همانا پذیرفتن نفوذ درخواست کننده است.

در نظام حقوقی افغانستان و ایران برای تحقق سوءاستفاده از نفوذ علاوه بر وجود سوءنیت عام، سوءنیت خاص نیز ضروری پنداشته می‌شود؛ یعنی آنگاه می‌توان تحقق سوءاستفاده از نفوذ را مدعی شد که مرتکب برای نیل به مواردی خاصی که در ذهن دارد مرتکب فعل مثبت مادی–معنوی و مادی صرف شود. بنابراین، با استناد به مقررات بیان شده در ماده ۳۹۹ کد جزای افغانستان که ناظر بر این جرم است؛ مرتکب این عنوان جرمی می‌بایست خواست‌های خویش را در قالب منفعت نامشروع و به‌صورت وعده، پیشنهاد و یا اعطا بروز دهد. ممکن است موارد یاد شده به‌صورت مستقیم باشد و یا غیرمستقیم و یا هم منفعت ذکر شده مادی و یا هم معنوی باشد. از این جهت در نظام حقوقی افغانستان سوءنیت خاصی جرم سوءاستفاده از نفوذ کسب منفعت نامشروع است. بدین توضیح که درخواست و یا تحصیل منافع نامشروع آنگاه در حیطه سوءاستفاده از نفوذ قرار می‌گردد که مرتکب، منفعت فوق را به‌منظور کسب منفعت غیرقانونی دیگر از یک اداره و یا مقامات رسمی دولتی اعطاکننده و یا ارائه‌کننده کسب منفعت نموده باشد. در غیر آن اگر مرتکب، منافع ذکر شده را به‌منظور منافع ناروا و خلاف قانون دریافت نکرده باشد، عمل وی مشمول وصف مجرمانه این جرم نخواهد شد.

در نظام حقوقی ایران نیز مرتکب جرم سوءاستفاده نفوذ اهداف خویش را با توجه به مقررات حاکم بر این جرم در ماده ۲ قانون مجازات اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، در قالب تحصیل کردن، وعده و یا تعهد گرفتن، محقق می‌کند. با استناد به قانون مجازات اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی لازم به ذکر است که لازمه تحقق این جرم در نظام حقوقی ایران اقدامات و افعالی است که شخص دارای نفوذ مرتکب آن می‌گردد می‌بایست برخلاف حق و مقررات قانونی باشد. هم‌چنین از نفوذی که نزد افراد دیگر دارد مرتکب سوءاستفاده گردد. از این‌رو، استفاده از نفوذ که منجر به نقض حق و حقوق دیگران نگردیده و برخلاف مقررات قانونی نیز نباشد، وصف مجرمانه پیدا نکرده و لزوماً پاسخ جزایی به این نوع رفتارها مذموم و ناپسند خواهد بود.

۳. نتیجه‌گیری

از بررسی به عمل آمده در خصوص جرم سوءاستفاده از نفوذ چنین به دست می‌آید که این جرم در نزد مقنن کشورها(افغانستان و ایران) از اهمیت خاصی برخوردار بوده و اجرای عدالت قضایی و نظم عمومی جامعه را

به چالش می‌کشد. از این جهت آن را از زمره مطلق پنداشته است. از آنجا که مقنن در جرایمی که امنیت و آرامش جامعه را به طور جدی به خطر روبرو سازد، به دنبال جرم‌انگاری یک مرحله قبل از تحقق کامل چنین رفتارها است، از این رهگذر سوءاستفاده از نفوذ فعال نیز در این دسته از جرایم قرار دارد. از آنجا که معمولاً مجرمین برای ارتکاب یک رفتار جرمی راه و روش‌های متفاوت و متنوع را در ذهن می‌پرورانند، مقنن افغانستان و ایران جهت پیش‌گیری از ارتکاب این جرم تا حد ممکن تلاش داشته‌اند که رفتارهای مجرمانه متنوع که منتهی به این جرم می‌شوند را مورد توجه قرار دهند. از جمله راه‌های ممکن که منتهی به ارتکاب جرم می‌شود در نظام حقوقی افغانستان ممکن است از طریق پیشنهاد، وعده و یا اعطای منفعت نامشروع باشد که قانون‌گذار به این حد بسنده نکرده و منفعت را اعم از مادی و معنوی و به صورت مستقیم و غیرمستقیم پنداشته است. در نظام حقوقی ایران نیز قانون‌گذار تحصیل، وعده و گرفتن تعهد پرداخت وجه نقد و یا فایده دیگر را از زمره رفتارهای منتهی به سوءستفاده از نفوذ فعال تلقی کرده است که ممکن است فرد با استفاده از این موارد، شخص صاحب نفوذ را تحریک به استفاده از نفوذ کند که همه این موارد، مورد توجه قانون‌گذار ایران بوده است. همچنین این جرم با شیوه‌های مختلف رفتاری اعم از فعل مثبت مادی و فعل مثبت مادی–معنوی قابلیت تحقق را دارد. در برخی موارد میان قانون دو کشور نقاط افتراقی وجود دارد که می‌توان با استفاده از بیان و دیدگاه‌های یک قانون نسبت تکمیل کردن نقاط ضعف قانون کشور دیگر الگو برداری کرد؛ مثلاً در نظام حقوقی افغانستان رفتار مجرمانه در اعمال‌نفوذ فعال ممکن است با پیشنهاد منفعت نامشروع نیز محقق شود. لکن در نظام حقوقی ایران این مورد با تحصیل وجه یا فایده دیگر می‌تواند محقق شود. از این‌رو، به نظر می‌رسد دیدگاه قانون‌گذار افغانستان در جهت پیش‌گیری از ارتکاب این جرم مؤثرتر باشد؛ زیرا صرف پیشنهاد نیز در اینجا شامل رفتار مجرمانه این جرم می‌شود حال‌آنکه در نظام حقوقی ایران می‌بایست یک مرحله بعد از پیشنهاد که تحصیل باشد را مدنظر قرار داد. همچنین ممکن است موضوع این جرم کسب منفعت نامشروع نیز تلقی شود؛ زیرا در اینجا فرد که می‌خواهد از شخص دارای نفوذ استفاده کند در واقع به دنبال یک منفعت نامشروع است. لکن اگر بر این دیدگاه نقطه صحت گذاشته شود، جرم سوءاستفاده از نفوذ فعال ممکن است از حالت جرم مطلق خارج شده و جرم مقید دانسته شود که در این صورت با بیان قانون‌گذار ممکن است سازگار نباشد؛ اما بر فرض مطلق بودن این جرم می‌توان «سوءاستفاده از وظیفه قانونی» را موضوع جرم سوءاستفاده از نفوذ تلقی کرد که با بیان مقنن هر دو کشور سازگارتر به نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ

۱. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن. (۱۴۰۲). درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، تهران، نشر گنج دانش.
۳. حبیب زاده، محمدجعفر. (۱۴۰۱). سرقت در حقوق جزایی ایران و مطالعه تطبیقی، چاپ چهارم، تهران، نشر دادگستر.
۴. حسن‌زاده، حیدر. (۱۳۸۸). بررسی اعمال‌نفوذ ناروا و اثر آن بر معاملات در حقوق انگلستان و مقایسه آن با ایران، فصل‌نامه حقوقی آزاد، شماره ۴.
۵. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). لغتنامه دهخدا، تهران، نشر دانشگاه تهران.
۶. صادقی تورنسرایی، پیمان. (۱۳۹۵). مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری جرایم علیه امنیت در حقوق جزایی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، قم، دانشگاه قم.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، جلد پنجم، چاپ پنجم، قم، نشر اسلامی.
۸. فرح‌بخش، مجتبی. (۱۳۹۲). جرم انگاری فایده گرایانه، چاپ ۱، تهران، نشر میزان.
۹. قانون کد (کود) جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۶.
۱۰. قانون مجازات اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی ایران مصوب ۱۳۱۵.
۱۱. قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۴۱۲). قاموس القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. کوشا، جعفر. (۱۳۹۱). اعمال‌نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، فصل‌نامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱.
۱۳. معین، محمد. (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی تک جلدی، تهران، نشر سرایش.
۱۴. نجفیان، فاطمه. (۱۳۹۰). مقایسه جرم اعمال‌نفوذ با کلاه‌برداری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۵. نوری، میرزا حسین. (۱۳۶۸). مستدرک الوسایل، جلد هشتم، چاپ چهارم، قم، نشر بیروت، موسسه آل‌بیت.
۱۶. نیک گهر، عبدالحسین. (۱۳۷۹). چگونه در دیگران نفوذ کنیم، تهران، نشریه جام جم.